

**جهاد
تبیین
در سیره
حضرت زهرا
سلام الله علیها**



کاری از کانال فیش منبر و سایت طلبه یار



[جهت عضویت در کانال فیش منبر کلیک نمایید](#)

[دانلود سایر منبرهای فاطمیه](#)



TalabeYar.ir



فهرست

- جلسه اول جهاد تبیین واجب عینی..... ۷
- خطبه ابتدایی..... ۷
- مقدمه..... ۸
- فضایل حضرت زهرا س..... ۸
- تلاش دشمن برای فراموشی نام زهرا..... ۱۰
- مهم ترین حادثه بعد از رحلت پیامبر..... ۱۲
- امر جامع چیست؟..... ۱۵
- اهمیت اطاعت از امام..... ۱۶
- جهاد تبیین در جامعه ی امروز..... ۲۱
- جهاد یعنی چه؟..... ۲۲
- ذکر مصیبت..... ۲۵
- جلسه دوم: اولین شهید جهاد تبیین علوی..... ۲۹
- خطبه ابتدایی..... ۲۹
- مقدمه..... ۳۰
- ماموریت پیامبران..... ۳۱
- اولین شهید راه امامت..... ۳۲
- وظایف ما در اغتشاشات اخیر..... ۳۶
- داستان تاریخی..... ۳۸
- چهار سوال اساسی..... ۳۹

ذکر مصیبت..... ۴۲

جلسه سوم : اصول و الزامات و راهبرد اصلی جهاد تبیین در سیره حضرت زهرا(س)..... ۴۸

خطبه ابتدایی..... ۴۸

مقدمه..... ۴۹

الزامات جهاد تبیین..... ۵۰

اولین الزام..... ۵۰

دومین الزام..... ۵۱

سومین الزام..... ۵۲

جهاد تبیین در جامعه ی امروز..... ۵۵

چهارمین الزام..... ۵۵

شناخت فتنه..... ۵۶

سخنان حضرت زهرا در باب امام..... ۵۷

پنجمین الزام..... ۶۰

ذکر مصیبت..... ۶۲

جلسه چهارم: قدم‌های مهم جهاد تبیین در سیره حضرت زهرا(س)..... ۶۸

خطبه ابتدایی..... ۶۸

مقدمه..... ۶۹

قدم های حضرت زهرا(س)..... ۷۰

- ۷۱.....قدم اول : دشمن شناسی
- ۷۲.....توجه به چند اصل
- ۷۶.....دومین قدم: فهم مسیر و نقشه دشمن
- ۷۷.....آمادگی دشمن در مقابل ما
- ۷۹.....سومین قدم: شیوه رزم و برخورد با دشمن
- ۸۱.....ذکر مصیبت
- ۸۶.....جلسه پنجم: اهداف جهاد تبیین
- ۸۶.....خطبه ابتدایی
- ۸۷.....مقدمه
- ۸۸.....اهداف جهاد تبیین:
- ۸۸.....اولین هدف در جهاد تبیین
- ۹۰.....وظایف ما در جنگ ترکیبی
- ۹۲.....دومین هدف در جهاد تبیین
- ۹۶.....سومین هدف در جهاد تبیین
- ۹۷.....بزرگترین هدف مبارزات حضرت زهرا
- ۹۹.....چهارمین هدف در جهاد تبیین
- ۱۰۰.....ذکر مصیبت



جلسه اول جهاد تبیین واجب عینی

خطبه ابتدایی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ

نِعْمَ الْوَكِیْلُ، نِعْمَ الْمَوْلٰی وَ نِعْمَ النَّصِیْرُ.

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ بَارِئِ الْخَلٰیْقِ اَجْمَعِیْنَ، بَاعِثِ

الْاَنْبِیَآءَ وَ الْمُرْسَلِیْنَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا

حَبِیْبِ اِلَهِ الْعٰلَمِیْنَ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ عَلٰی اٰلِهِ

الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُوْمِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْهُدٰةِ

الْمَهْدِیِّیْنَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِیْنَ مِنْ الْاَن

اِلٰی قِیَامِ یَوْمِ الدِّیْنِ اٰمِیْنَ یَا رَبَّ الْعٰلَمِیْنَ

قَالَ اللّٰهُ الْحَكِیْمُ فِی كِتَابِهِ الْكَرِیْمِ:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

یعنی ما قرآن را نازل کردیم، اما بین قرآن و مردم، تبیین تو-ای رسول خدا- لازم است.

مقدمه

ایام فاطمیه، ایام شهادت صدیقه طاهره، زهراى مرضیه، امّ ابیها سلام الله علیها است.

کسی که ائمه معصومین علیه السلام به وجودش افتخار می کنند، کسی که باطن آیه نور و سوره قدر و قسمتی از آیه مباحله، تطهیر است.

فضایل حضرت زهرا س

اینها فضیلت‌هایی است که در منابع اهل سنت هم آمده است، نه فقط شیعه. ابن جوینی یک کتابی دارد به نام «فرائد السمطين فی فضائل المرّتضى و البتول و السّبطين و الأئمة

۱. سوره نحل آیه ۴۴

مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» در آن یک روایتی را از رسول خدا نقل می‌کند که این روایت ، روایت عجیبی است. می‌گوید: پیغمبر اکرم(ص) فرمود:

«لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا لَكَانَ فَاطِمَةَ بِنَ هِيَ أَعْظَمُ إِنَّ

فَاطِمَةَ (س) ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُضْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا»

اگر تمام نیکی‌ها مجسم شود فاطمه می‌شود، بلکه فاطمه بالاتر است. دخترم بهترین اهل زمین است از نظر عنصر، شرافت و کرامت.^۱

درنامه‌ی ۲۸ نهج البلاغه که در اواخر عمر آقا امیر المؤمنین (ع) به معاویه نوشته شده است. نامه‌ی کوتاهی است اما نکات زیبایی دارد از جمله اینکه فرمودند:

ما افتخاراتی داریم، یکی حضرت زهرا (س) است؛ «و مِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» فاطمه از ما است «و مِنكُمْ حَمَالُهُ

۱. فرزند السمطین، ج ۲، ص ۶۸۷

الْحَطَبِ» اما زن ابو لهب - عمّه ی معاویه بود - این از شما
است. علی می‌بالد «لِي الْفَخْرُ بِفَاطِمَةَ وَ ابِيهَا»

امام حسن عسکری (ع) در عظمتش می‌فرماید:

«نحن حجج الله عليكم وأُمنا فاطمة حجة الله علينا»

ما حجت خدا بر شما هستیم، ولی مادرم حجت خدا بر
ماست.

کسی که امام زمانی (عج) که عالم هستی مشتاق اوست
و او را به عنوان اسوه قبول خواهند کرد.

«فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِي أَسْوَةٌ
حَسَنَةٌ»

لذا دربارهٔ شخصیت چنین بانویی سخن گفتن مشکل
است.

تلاش دشمن برای فراموشی نام زهرا

در طول تاریخ دشمنان خیلی تلاش کردند که نام ایشان
مطرح نشود گفته‌اند:

چرا اینهمه فاطمیه برای ما شیعیان مهم است؟
مگر در فاطمیه چه اتفاقی افتاد؟ ما شهادت معصومین
دیگر هم داریم اما برای فاطمیه هرساله سنگ تمام می
گذاریم علت چیست؟

کارکردها ایام فاطمیه چیست؟
چرا یک عده نسبت به حضرت زهرا(س) جسارت می
کنند؟

مثل ابن عثیمین از شخصیت های برجسته وهابی است.
(شاید بتوان وی را عالم ترین شخصیت وهابی دانست)
می گوید حضرت فاطمه زهرا(س) نعوذبالله عقل خود را از
دست داده است! ببینید بی ادبی به این صراحت ، در حالی که
اعتقاد برادران اهل سنت این است که اگر کسی صحابی است
حرمت او واجب است ، حالا ببینید دختررسول خدا (ص) که
سرور زنان بهشت و جگرگوشه ی پیامبر اکرم (ص) است

چنین جسارتی می‌کند. چرا؟ حضرت فاطمه زهرا (س) چکار کرده‌اند؟

مهم‌ترین حادثه بعد از رحلت پیامبر

از مهم‌ترین حوادث بعد از رحلت نبی اکرم صلوات الله و سلامه علیه روایت صحیح از وقایع اسلام و نشان دادن چهره‌ی حقیقی و واقعیت اسلام، مسلمانان راستین و ادامه مسیر اسلام در اطاعت از ولایت می‌باشد.

وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم یک جریان‌ی بعد از پیامبر اکرم (ص) یک مسیری را برای اسلام درست کرده است، فهم خودش را اسلام تلقی کرده است و می‌گوید اسلام فقط این است و اگر کسی نسبت به آن‌ها حس مثبتی نداشته باشد، انگار یک جریان‌ی در مقابل مسلمات اسلامی قرار گرفتند و حذف می‌کردند.

مثلاً حضرت ام‌سلمه (س) وقتی از امیرالمؤمنین (ع) دفاع کردند و یک سال حقوق ایشان را از بیت المال قطع کردند.

«عجاج خطیب» که سوری است ریاست گروه علوم قرآن و سنت و ریاست گروه مطالعات اسلامی دانشگاه امارات متحده بود می‌گوید: هر روایتی که بگوید علی بن ابیطالب (ع) خلیفه پیغمبر است جعلی است.

چرا؟ برای اینکه اجماع مسلمین بر این است که کس دیگری خلیفه است!

کس دیگری می‌گوید: اگر هزار آیه و هزار روایت متواتر بر امامت علی بن ابیطالب بیاورید ما قبول نمی‌کنیم، چون اجماع مسلمین چیز دیگری می‌گوید!

یعنی می‌گوید اجماع از هزار آیه و روایت متواتر بالاتر است.

حضرت زهرا(س) در مقابل این جریانات قرار داشتند فاطمه مرضیه(س) در آن شرایط هولناک و سخت، با پهلوئی شکسته چهل شبانه‌روز، روز و شب در خانه کسانی را زد که

یک نفر هم به او پاسخ نداد اما ایشان دست از جهاد تبیین
برنداشت.

حضرت برای جلوگیری از انحراف‌ها و تحریف‌های بی‌پایه و
بی‌اساس با از خودگذشتگی و ایثار در دفاع از حقایق اسلام و
ولایت امیرالمومنین امام علی علیه السلام، مجاهدتی بزرگ
انجام دادند تا حق رنگ نبازد و وقایع مورد تفسیر نابجا قرار
نگیرند و مسیر حق در تلاطم خودخواهی‌ها و دنیاپرستی‌ها
گم نشود.

ایشان در مسجد سخنرانی کردند، پس از محاجّه حضرت
با ابوبکر، رو کردند به مردم و فرمودند:

«مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ

الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ»^۱.

۱. احتجاج/ج/ص ۱۰۶

ای مسلمانانی که خیلی سریع به طرف گفته‌های باطل رفتید و در مقابل کار زشتی که زیان‌بار است، چشم خود را بر هم گذاشتید.

حضرت زهرا(س) با روشهای مختلف دست به جهاد تبیین زده اند. این هست که ما می‌گوییم فاطمیه یک تاریخ است، قیام فاطمی جهاد تبیین بود در مقابل انحراف حق.

امر جامع چیست؟

فاطمیه یک امر جامع بود و هست.

امر جامع چیه؟ یعنی یک مسئله مهم در جامعه خداوند می‌فرماید:

«...وَ إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ»^۱

وقتی رسول خدا(ص) یک مسئله مهم جامعه را مطرح می‌کند «لَمْ يَذْهَبُوا» نباید بروند، «حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ»؛ مگر اینکه اجازه بگیرند.

۱. سوره نور آیه ۶۲

مثلاً یک کسی می‌گوید: من بچه‌ام مریض است، اجازه می‌دهید من برم! الآن بچه‌ام دارد بال‌بال می‌زند... آن وقت اگر رسول خدا(ص) اجازه داد، می‌تواند برود و الا نباید برود. چرا؟ چون رسول خدا(ص) یا ولیّ خدا، یک امر جامع مطرح کرده است.

برادران و خواهران امروز جهاد تبیین یک امر جامع هست یکی از موضوعاتی است که مقام معظم رهبری صریحاً و با تأکید و مکرراً مطرح فرمودند؛ فرمودند که جهاد تبیین، امروز واجبِ فوریِ عینی است!

وقتی امر جامعی آمد می‌شود واجبِ فوریِ عینی اگر دیگران این عمل واجب را انجام بدهند از من ساقط نمی‌شود مثل نماز!

اهمیت اطاعت از امام

شهیدی که فرمود نگذارید حرف امام روی زمین بماند:

شهید احمد رضا احدی در آبان ماه سال ۱۳۴۳ در اهواز به دنیا آمد. همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، به عنوان مهاجر جنگی همراه خانواده به ملایر رفت.

او که در حال تحصیل در رشته علوم تجربی بود در سال ۶۳ موفق به کسب دیپلم شد و در کنکور سراسری تجربی ۱۳۶۴ رتبه اول را کسب کرده و توانست در رشته پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شود و تحصیل در این رشته را آغاز کند.

کسی که می‌توانست با ادامه تحصیلش در آینده به یک پزشک حاذق تبدیل شود اما از آن چشم پوشید و در عملیات کربلای ۵، در شب دوازدهم اسفند ماه سال ۶۵ همراه تنی چند از هم‌زمانش از جمله مجید اکبری در درگیری با کمین‌های دشمن بعثی به شهادت رسید و به لقاءالله پیوست و پس از ۱۵ روز که پیکر خونینش میهمان آفتاب بود

بازگردانیده و در آرامگاه عاشورای ملایر به آغوش خاک سپرده شد.

شهید احمد رضا احدی، نفر اول کنکور رشته تجربی ۱۳۶۴، آخرین وصیت خود را در چند جمله کوتاه خلاصه کرده است.

«بسم الله الرحمن الرحيم

فقط نگذارید حرف امام بر زمین بماند همین

حدود یک ماه روزه قرص دارم تا برایم بگیرید و برایم از

همگی حلالیت بخواهید

والسلام.^۱

شهید مدافع حرم:

نمونه دیگر شهید شاطری است سردار شهید حاج قاسم

سلیمانی در صحبتی درباره شهید شاطری فرموده بود:

وقتی صحبت از شهید شاطری می‌کنیم حرف از یک

فرمانده لشکر، فرمانده پادگان یا فرمانده نظامی منصوب

۱. خبرگزاری ایسنا، شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۶

شده نیست. چرا دفاع مقدس ما تبدیل به یک مدرسه شد؟
مدرسه‌ای عمیق‌تر از دفاع مقدس پیدا نمی‌شود که مدل
رفتاری حقیقی دینی، اخلاقی، مدیریتی در ابعاد گوناگون را به
نمایش گذاشته باشد. شهید شاطری چهره غم‌گرفته در اثر
خرابی‌های وسیع را با رفتارشان چنان عوض کرد که فکر
نمی‌کنم هیچ کس توانسته باشد به این اندازه تبلیغ مذهب
کند.

نمی‌توان به شاطری مدال داد و گفت او فلان تپه را گرفت.
کار او بزرگتر از فتح تپه و مکان بود. او دل‌ها را تصرف کرد، با
حقیقت عمل خود و اخلاق خودش؛ برای همین بزرگی‌اش
زمانی نمایان شد که رفت.

باید بروید جنوب لبنان تا ببینید مسیحی‌ها برای کمتر
شهیدی می‌روند در کلیسا و در مناطق خود مجلس می‌گیرند،
اما تمام مذاهب و ادیان جنوب لبنان برای شهید شاطری
مراسم گرفتند...

شهیدی که بعد از شهادتش، ده نفر هم نمی‌توانستند کارهای او را انجام بدهند.

ایشان یک آدمی در این حدّ و اندازه‌ها، اوّل عید می‌نشست در تقویمش می‌نوشت که مثلاً «من در جهت شعارِ امسال، این کارها را می‌توانم انجام بدهم...» برای اینکه یک‌جوری حرف آقا روی زمین نماند، با اینکه کمترین ارتباط را با او داشت. بله؛ چنین کسی زیباترین شهادت هم نصیبش می‌شود.

امروز امر جامع جهاد تبیین هست که واجبِ فوریِ عینی است.

مگر قرآن نمی‌فرماید:

«وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^۱

کسی که یک نفر را زنده کند انگار همهٔ اهل زمین را زنده کرده است.

۱. سوره مائده آیه ۳۲

امام صادق(ع) دربارهٔ این آیه می‌فرماید:

«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّهَا أُحْيَاهَا»^۱

وقتی انسان کسی را از گمراهی به هدایت می‌رساند انگار او را زنده کرده است.

«تبیین» یکی از کارهای بسیار مهم برای مقابله با هرگونه انحراف و تحریف در ارزش‌ها است. بدون تردید جهاد تبیین یکی از نیازهای اساسی امروز جامعه است و عدم انجام درست آن می‌تواند نتایج زیان باری به وجود بیاورد، زیرا نمونه عدم جهاد تبیین در صدر اسلام آن بود که پس از شهادت حضرت علی(ع) عده‌ای گفتند «مگر علی(ع) نماز می‌خوانده است؟»

جهاد تبیین در جامعه‌ی امروز

امروز در جنگ شناختی و رسانه‌ای داریم می‌بینیم در این اغتشاشات اخیر دیدیم که تلاش دشمن این است که

۱. کافی/ج ۲/ص ۲۱۰

شناخت جامعه و تحلیل جامعه را از اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تغییر دهند. به مقدسات می تازند به قرآن ، به مسجد ، به ناموس و هرچه که نزد مسلمانان حرمت دارد می تازند و نسل جوان و نوجوان ما را از دین منحرف می کنند.

جهاد یعنی چه؟

مقام معظم رهبری می فرمایند:

جهاد یعنی چه؟

جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمن. هر تلاشی، جهاد نیست. خیلی ها تلاش می کنند، تلاش های علمی زیادی می کنند، تلاش های اقتصادی می کنند که خوب و به جاست، اما جهاد نیست. جهاد، یعنی تلاشی که هدف گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می گیرد. شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله با دشمن، می شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید

برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید
برای خنثی کردن وسوسه دشمن، می‌شود جهاد؛ اینها همه
جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه جهاد را تشخیص
بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد. این،
خیلی مهم است.^۱

این را باید بدانیم که جهاد تبیین، مهم‌ترین عرصه جهاد
است؛ زیرا اکنون دشمن با هزاران دستگاه رسانه‌ای و خبری
دست به جنگ روانی زده است تا با وارونه جلوه دادن
واقعیت‌ها، رابطه مؤمنانه مؤمنین را قطع کند. از این رو باید
با تبیین و روشنگری، حقیقت‌ها را برای همگام بیان کرد.
حضرت آقا فرمود:

ما در حال یک نبرد فرهنگی، یک نبرد جنگ نرم هستیم
یعنی به ما تهاجم شده؛ تهاجم نرم، آن هم با ابزارهای
پیشرفته و بسیار نو و با توانایی بسیار بالا؛ به ما حمله شده.

^۱. (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳).

خب ما باید اول این را تصدیق کنیم، باید اول قبول کنیم که ما در حال یک جنگیم، ما مورد تهاجم قرار گرفته هستیم. اگر چنانچه این شد، آن وقت بایستی همه نیرو را متمرکز کنیم در ضربه زدن به مهاجم و جلوی هجوم او را گرفتن. هدف مهاجم، آماج کار مهاجم چیست؟ فرهنگ ماست، اخلاق ماست، خانواده ماست، هویت ماست، تاریخ ماست. در مقابل، ما بایستی یک جبهه قوی توانایی ایجاد کنیم که این جبهه بتواند پاسخگو باشد. آن جبهه متشکل از کیست؟ از هنرمند، روشنفکر، عنصر فرهنگی؛ یعنی شماها هستید، شماها و امثال شما آقایان و دوستانی که در بخش فرهنگ و در بخش هنر مشغول کار هستید.^۱

حضرت فاطمه سلام الله علیها بر اساس همین معیار در زمانی که کینه‌ها سر باز می‌کند و تغییر معیارها و ارزش‌ها شتاب می‌گیرد و جریان توحیدی و سلسله ولایت الهی مورد

۱. [گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صدا و سیما، ۲۴/۰۸/۱۳۹۷].

هجمه شبهات و حمله‌های سخت و نرم قرار می‌گیرد، با تحلیل‌های جامع خود، جامعه را از خطرات و خطوات شیاطین و دشمنان آگاه می‌سازد.

ذکر مصیبت

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها کوتاه نیامدند، تا اینکه تصمیم گرفتند که باید کار دیگری با این مدافع ولایت کرد.

عجب به عهد رسول خدا وفا کردند
فزون ز حد توان بر علی جفا کردند
به جای لاله و گل بار هیزم آوردند
شراره هدیه به ناموس کبریا کردند
هزار مرتبه خشم خدا بر آن امت
که قصد سوختن خانه ی خدا کردند
به جای مزد رسالت زدند فاطمه را
نه از خدا نه ز پیغمبرش حیا کردند
غلاف تیغ گواهی دهد که سنگدلان

چگونه فاطمه را از علی جدا کردند

چهار کودک معصوم در دل دشمن

به مادر و پدر از سوز دل دعا کردند

خدا گواست که از بیم آه فاطمه بود

اگر ز بازوی مولا طناب وا کردند

چه اتفاق عظیمی به پشت در رخ داد

چه شد که محسن شش ماهه را فدا کردند

عده‌ای را فرستادند که آمدند و به آتش زدن تهدید کردند ،

حضرت فاطمه زهرا (س) به پشت در آمدند و فرمودند: ما

عزادار هستیم، جلوی خانه‌ی ما سر و صدا نکنید... این‌ها

گریه‌کنان برگشتند. درست است که سرباز بودند ولی

نتوانستند تحمل کنند.

گروه دیگری را فرستادند و گفتند و با علی برگردید، باید با

علی برگردید، این‌ها به پشت در آمدند و سر و صدا کردند و

چیزهایی گفتند، حضرت فاطمه زهرا (س) دیگر با این‌ها

صحبت نکردند، فقط از حرمتشان خرج امیرالمؤمنین (ع) کردند، به پشت در آمدند و رو کردند به قبر مبارک پیامبر (ص) و فرمودند: «يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَكَذَا كَانَ يُفَعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَابْنَتِكَ»، این حرف‌هایی که می‌شنوی به دختر تو می‌گویند؛ این‌ها هم نتوانستند تحمل کنند و گریه‌کنان برگشتند.

اون نامرد دید نمی‌شود خودش آمد، مشعل بدست غلامش هم به او گفت: با این شعله به کجا می‌روی؟ آنجا خانه فاطمه هست. گفت: مهم نیست، آمد و پشت در قرار گرفت و فریاد زد: اگر بیرون نیایید خانه را با اهل خانه آتش می‌زنم حضرت فاطمه (س) علیها پشت در قرار گرفتن او می‌گوید: هنگامی که پشت در قرار گرفتم در را تکان دادم، دیدم تن خود را به در تکیه داده است، در سر من چرخید، علی با ما کجا چه کرده است، حال هم یک تنه ایستاده است و از خانه بیرون نمی‌آید، همینکه حس کردم فاطمه پشت در قرار گرفته است و با تن رنجور خود در را نگه داشته است که

جمعیت در را هُل ندهند، وقتی در نیم سوخته شده بود لگد زدم. اوضاع حضرت طوری بود که در همین حالت عادی هم اضطراب برای ایشان خوب نبود، یک هُل دادن عادی هم مناسب نبود آن ملعون می گوید یک صیحه ای زد که احساس کردم همه ی مردم مدینه صدای او را شنیدند ، احساس کردم مدینه زیر و رو شد، هنگامی که وارد شدم دیدم پشت در افتاده ...

جلسه دوم: اولین شهید جهاد تبیین علوی

خطبه ابتدایی

بسم الله الرحمن الرحيم

لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، حَسْبُنَا اللهُ وَ
نِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ.

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بَاعِثِ
الْأَنْبِيَاءَ وَ الْمُرْسَلِينَ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ عَلَى آلِهِ
الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ الْهُدَاةِ
الْمَهْدِيِّينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ
إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱

مقدمه

یعنی ما قرآن را نازل کردیم، اما بین قرآن و مردم، تبیین تو-ای رسول خدا- لازم است.

هدیه به پیشگاه با عظمت بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و روحی له الفداه صلواتی هدیه بفرمایید.

جلسه گذشته خدمت شما برادران و خواهرن نکاتی را درباره جهاد تبیین در زندگی حضرت زهرا (س) عرض کردم. امشب بگذارید این گونه شروع کنم لازم است بدانیم یکی از فلسفه های وجودی انبیای عظام و ائمه طاهرین (ع) جهاد تبیین بوده است؛ امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه و در ارتباط با فلسفه بعثت پیامبران می فرمایند:

۱. سوره نحل آیه ۴۴

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ»^۱

ماموریت پیامبران

خدای متعال پیغمبران خودش را مبعوث کرد و پیامبران را یکی پس از دیگری فرستاد تا پنج ماموریت را انجام دهند:

۱- لَيْسَتَادُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ - بیایند و فطرت انسان‌ها را

احیا کنند.

۲ - وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ - دستاوردهایی را که

داشتند به مردم یادآوری کنند - این می‌شود یکی از

مصادق‌های جهاد تبیین؛ گاهی انسان در اثر عواملی

دستاوردهای هنرمندانه خودش را از کف می‌دهد و از آن

غافل می‌شود.

۳- وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ - حجت را بر مردم تمام

کنند - این هم دومین هدف جهاد تبیین است که سومین

۱. نهج البلاغه خطبه اول

فلسفه بعثت انبیای الهی در خطبه حضرت امیرالمومنین(ع) است.

۴- وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ - عقل‌ها را احیا کنند.

۵- وَ يُرُوهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ - آیات قدرتمندی خدا را به مردم نشان دهند.

با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها می‌توان در ارتباط با چرایی جهاد تبیین چنین گفت که جهاد تبیین یکی از فلسفه‌های مهم بعثت انبیا است و از این جهت برای ما اهمیت دارد.

اولین شهید راه امامت

لذا حضرت صدیقه طاهره (س) وقتی در وقایع بعد از پیامبر(ص) مسیر درست را تشخیص دادند با اقدام درست و به موقع با جهاد تبیین از حقیقت دفاع کردند و با روش‌های مختلف دست به این کار زده اند تا آنجا که اولین شهید راه امامت و دفاع از آن لقب گرفت.

وقتی حضرت زهرا(س) در بستر بیماری افتاد خبر بیماری اش به گوش زنان مدینه رسید، به عیادت آن حضرت آمدند

حضرت زهرا(س) از فرصت به دست آمده استفاده نموده و به جهاد تبیین پرداخت و خطبه غرایی ایراد نمودند. این خطبه از بهترین موضع‌گیری‌های آن حضرت در دفاع از حریم ولایت و امامت می‌باشد که حضرت اهداف و آرمان سیاسی خویش را نسبت به آینده امت پس از رسول خدا(ص) بیان داشت. تاریخ‌نویسان شیعه و اهل سنت این خطبه را از آن حضرت روایت نموده‌اند.

سویدبن غفلة می‌گوید: چون حضرت زهرا(س) در بستر بیماری قرار گرفته بود، زنان مهاجر و انصار به عیادت او آمدند و از بیماری حضرت سؤال کردند. آن حضرت اعتراض خویش را از وضعیت موجود این‌گونه ابراز داشت: "به خدا سوگند! شب را به صبح رساندم، در حالی که از دنیای شما کراهت دارم و بیزارم. بر مردان شما خمشناکم..."

تا آنجا که می‌فرماید: به خدا سوگند! اگر پای در میان می‌نهادند و علی(ع) را بر زمام امور که پیغمبر(ص) برعهده او

نهاده بود، می‌گذازدند و این حجت واضح را پذیرا می‌شدند، ایشان را به آسانی به راه راست می‌برد و حق هر یک را به او می‌سپرد، چنان که کسی زیانی نبیند و هر کس میوه آنچه کشته است، بچیند. این شتر را سالم به مقصد می‌رساند و حرکتش برای کسی رنج آور نبود و تشنگان عدالت را از چشمه سرشار و زلال حقیقت سیراب می‌کرد؛ چشمه‌ای که آب زلال آن فواره زنان از هر طرفی جاری است و هرگز رنگ کدورت نپذیرد.^۱

در تاریخ آمده است پس از آن، زنان مهاجر و انصار آنچه را که از حضرت زهرا(س) شنیده بودند برای شوهران خود باز گفتند. پس دسته ای از بزرگان مهاجر و انصار، به عنوان عذر خواهی، به نزد آن حضرت آمدند و گفتند: ای سرور زنان، اگر ابوالحسن پیش از آن که با ما بیعت و پیمان خود را با ابوبکر

۱. فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، ص ۹۲

استوار کنیم این نکته را به ما گوشزد می‌کرد، هرگز ما او را
رها نمی‌کردیم و به دیگری روی نمی‌آوردیم.

حضرت زهرا(س) فرمود: دور شوید از من، که دیگر، بعد از
عذر خواهی های غیر صادقانه، عذری باقی نمانده است و این
تقصیر و اشتباه شما قابل برگشت نخواهد بود.^۱

یعنی بعد از آنکه کوتاهی کردید و علی(ع) را خانه نشین
نمودید و به اهل بیت پیامبر(ص) جسارت روا داشتید و مأمور
ابوبکر، به اتکای بیعت شما، برای سوزندان خانه دختر رسول
خدا آتش آورد و...، دیگر کار از کار گذشته است و عذری
پذیرفته نیست و دوره ظلم و تباهی آغاز گشته است.

این کار با ارزش حضرت زهرا(س) نشان این است که در
هیچ شرایطی نباید دست از جهاد تبیین برداشت.

۱. احتجاج طبرسی، ۱: ۱۰۹

وظایف ما در اغتشاشات اخیر

امروز در این جریان‌ات اخیر که رهبر عزیز ما فرمود: اتفاقات اخیر جنگ ترکیبی بود نه صرفاً اغتشاش خیابانی.

یک عده به اسم مرگ یک دختر به خیابانها آمدند و از این اتفاق سوء استفاده کردند و به راس هرم یعنی اصل دین ما، به قرآن ما و به ولایت ما به روشهای مختلف تاختند یک عده سب‌پریتی‌ها (یعنی جامعه هزینه و مسرف) هم با عملیات روانی دارند براین آتش می‌دمند.

خوب وظیفه ما چیست؟

وظیفه امروز ما با الگوبرداری از سبک زندگی فاطمی در دفاع از اسلام ناب، تبیین صحیح و پاسخ‌گویی به شبهات است. هرگاه ولایتمداری و پیروی از ولی امر مسلمین اولویت نباشد جامعه به بیراهه می‌رود که این روزها شاهد این مسائل هستیم.

امروز باید در عرصه رسانه با بالا بردن سطح سواد رسانه‌ای به مقابله با جنگ رسانه‌ای و جنگ روانی دشمن

رفت دشمن با تمام توان آمد به جنگ ما هم در این عرصه باید با محتوای صحیح در مقابل این دشمن برویم دشمنان اگر ببینند که جامعه، جامعه ای غافل است، می توانند بر آن تاثیر بگذارند، اما اگر جامعه هوشیار باشد، برنامه های آنها در مردم اثرگذار نخواهد بود. به همین جهت مقام معظم رهبری فرمودند که برای آنکه دشمنان نتوانند بر مردم تاثیر بگذارند و سلاحشان کند شود، باید جامعه آگاه و روشن شود و برای مردم روشنگری صورت گیرد.

برنامه های استکبار برای مردم ما تازگی ندارد، آنها وقتی در مقابل حق قرار می گیرند، اگر می توانند آن را زمین گیر می کنند و اگر نمی توانند زمین گیر کنند، با دروغ و تهمت های ناروا آن را تحت شعاع قرار می دهند و مطالب کذب دیگران را به برنامه های دین نسبت می دادند و توانایی آنها را از بین می بردند. یا دست به تحریف واقعیت های انقلاب و سانسور پیشرفت های نظام اسلامی و به نام دیگران می زنند. یا کار

مثبت را تا جای ممکن تضعیف کنند و موفقیت ها را ناچیز جلوه دهند. اصلاً کار شیطان همین است.

«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»^۱

پس همه ما وظیفه داریم هرکس به اندازه وسع خودش نباید ناامید بود دشمنان ما دائماً مشغول عملیات روانی علیه ما هستند ، تبلیغات منفی دشمن این است که ما را ناامید و ناسپاس شویم.

داستان تاریخی

بگذارید یک داستان تاریخی خدمت شما عرض کنم:
در زمان رسول اکرم(ص)، عمار یاسر پس از جنگ احد که با جراحت و خسارت زیاد به مسلمانان همراه بود خواست از محله ای عبور کند یهودیان و منافقین جلوی او را گرفتند.
یهودیان شروع به سرزنش کردن عمار کردند؛ البته در کنار عمار یاسر حذیفه بن حسیل یمن هم بود و حذیفه

۱. آل عمران آیه ۱۷۵

خطاب به عمار گفت اینها که هدایت نمی‌شوند اگر بمانیم
دین ما را هم می‌گیرند، پس بیا برویم و تلاش کرد که عمار را
ببرد اما عمار قبول نکرد و آنجا ماند و شروع به صحبت کرد.
گرچه عمار به دلیل اینکه آنها نفاق، عناد و دشمنی
داشتند نتوانست هدایتشان کند ولی زمانی که به محضر
پیامبر اکرم(ص) مشرف شدند، نبی مکرم اسلام(ص)
فرمودند من خبر این جریان به گوشم رسیده است، این که
حذیفه از ترس تضعیف دینش به دنبال ترک آنجا بوده خوب
است اما جناب عمار شما از دین خدا دفاع کردید و شما که
اینجا جهاد تبیین را انجام دادید از مجاهدین فی سبیل‌الله و
برتر از دیگران هستید.

چهار سوال اساسی

برادران و خواهران جهاد نیاز به حضور مردم دارد و اگر
حضور مردم نباشد قطعا این جهاد موفق نمی‌شود ما باید به
چهار سوال اساسی زیر پاسخ دهیم:

چرا انقلاب کردیم؟

چگونه انقلاب کردیم؟

دستاوردهای انقلابمان چیست؟

آینده انقلاب ما چه خواهد بود؟

اینی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به درستی به آن اشاره می‌کند. اگر ما همین چهار سوال را به درستی برای مردم تبیین کنیم، بخشی از جهاد فرهنگیمان را انجام داده‌ایم.

در زمانی‌هایی که باید تبیین صحیح صورت گیرد اگر صورت نگیرد دروغ جای حقیقت را خواهد گرفت مثل زمان امیرالمومنین(ع) که در جنگ صفین و در زمان زنده بودن امام، فرد شامی از سوی لشکر معاویه به سمت سپاه امام حمله کرد و یکی از دلایل شرکت خود را در نبرد با امام علی(ع) بی‌نماز بودن امام(ع) و یارانش بیان کرد. سخن آن فرد شامی این بود:

«... فَإِنِّي أَقَاتِلُكُمْ لِأَنَّ صَاحِبَكُمْ لَا يُصَلِّي كَمَا ذَكَرَ لِي وَ

أَنْتُمْ لَا تَصَلُّونَ...»^۱

من با شما از آن رو پیکار می‌کنم که بر اساس گزارشی که به من رسیده است، فرمانده شما نماز نمی‌گزارد و شما نیز نماز نمی‌گزارید...!

بنا بر این اگر تبیین صورت نگیرد و جهل اگر در جامعه مستولی گردد، امپراطوری رسانه‌ای معاویه می‌تواند جایگاه علی و معاویه را جابجا کند همچنان که می‌تواند جای جلا و شهید را تغییر دهد.

کاری را که معاویه آغاز کرد و مردمش را به این باور رساند که علی اهل نماز نیست، نتیجه‌اش آن شد که مردمان کوفه به نیت تقرب الهی سر از بدن حسین(ع) جدا کردند و خانواده‌اش را به اسارت بردند.

۱. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۱۳

امروز عالم را رسانه‌ها افکار عمومی دنیا را در مشت خویش قرار داده‌اند و جهان را مدیریت می‌کنند که عینا با همان روش، معاویه و عمروعاص، جامعه اسلامی بعد پیامبر را مدیریت کردند و نمی‌خواهند بگذارند صدای حقیقت به گوش مردم برسد مثل زمان امام حسین(ع) در روز عاشورا هر بار لب به سخن گشود تا برای قاتلینش سخنرانی کند و هدایتشان کند، به دستور عمرسعد سروصداها ایجاد کردند تا صدای حسین در آن هیاهو گم شود و شنیده نشود؟! لذا امروز با بصیرت باید به این امر مهم یعنی جهاد تبیین پرداخت همان طور که زهرا (س) برای دفاع از حقیقت به این وظیفه عمل کرد و تمام سختی‌ها را به جان خرید.

ذکر مصیبت

دخت رسول و این همه خونین جگر چرا؟!

فلک نجات و غرقه به موج خطر چرا؟!

نه سال خانه داری و صد سال رنج و غم

یک مادر جوان و خمیده کمر چرا؟!

مسجد، کنار خانه و زهرا به درد ورنج

می رفت بر زیارت قبر عمو چرا؟!!

با داعیان صحبت خیرالبشر بگو:

چندین جفا به دختر خیر البشر چرا؟!!

گیرم که بود بغض علی در نهاد تو

سیلی زدن به صورت زهرا، دگر چرا؟!!

سیلی زدی به مادر و، دستت شکسته باد!

مادر زدن مقابل چشم پسر چرا؟!!

گلچین اگر نداشت عداوت به باغبان

آتش زدن به باغ و شکستن شجر چرا؟

در اثر ضربه هایی که به فاطمه (سلام الله علیها) وارد

شد، آن حضرت از حال رفت وقتی متوجه شد که علی(علیه

السلام) را برده بودند. پرسید: فُضّه! علی کجاست؟ فضّه

جواب داد: او را برای بیعت، کشان کشان بردند. تا فاطمه

(سلام الله علیها) این سخن را شنید در حالی که بدنش

مجروح شده بود، چادرش را پوشید دست حسنین (علیهما السلام) را گرفت و روانهٔ مسجد شد؛ چون به در مسجد رسید دید، اولی بالای منبر است و علی خیبرشکن، سر برهنه پایین منبر و دومی شمشیری بر دست گرفته، ناگهان حضرت زهرا (سلام الله علیها) فریادی کشیدند و فرمودند:

«خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا أَبِي (صلى الله عليه وآله) بِالْحَقِّ إِنْ لَمْ تَخْلُوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَ لَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) عَلَى رَأْسِي وَ لَأُضْرَحَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛

رها کنید پسرعمویم را قسم به خدایی که محمد(صلى الله عليه وآله) را به حق فرستاده اگر از وی دست برندارید موی خود را پریشان می کنم و پیراهن پیغمبر(صلى الله عليه وآله) را بر سر افکنده و در برابر خدا همه شما را نفرین می کنم.»

سلمان می گوید: به خدا قسم! هنوز سخن حضرت تمام نشده بود، همه دیدیم پایه های دیوارهای مسجد از جا کنده شدند چنانکه انسانی می توانست از زیر آن عبور کند و وقتی فاطمه رفت دیوارهای مسجد به جای خود برگشتند در حالی که غبار برخاست و بر صورت ما نشست.

در این حال حضرت علی(علیه السلام) به من اشاره کردند و فرمودند:

«أَذْرِكِ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ فَإِنِّي أَرَى جَنَّتِي الْمَدِينَةَ تُكَفَّانِ؛

دختر پیغمبر را دریاب که مدینه را می بینم از دو طرف زیر و رو می شود.»

سلمان می گوید آمدم و خودم را به دختر پیغمبر رساندم هر چه تلاش کردم برگردند و نفرینشان نکنند قبول نمی کردند تا اینکه گفتم: خانم! امیرالمومنین(علیه السلام) فرمودند که برگردید. تا این سخن را گفتم ایستادند و با قلبی پر از آه و با ناله ای سوزان فرمودند: «رُوحِي لِرُوحِكِ الْفِدَاءُ وَ

نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَا يَا أَبَاحَسَنٍ إِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ
إِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ؛ علی جان جانم فدای جان تو و
روحم فدای روح تو همواره با توام چه در خوشی ها و چه در
سختی ها...»

سلمان می گوید وقتی این جمله حضرت را شنیدم قلبم
برای مظلومیتشان آتش گرفت و جگرم سوخت. سپس
حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمودند:

«إِذَا أَزْجَعُ وَ أَصْبِرُ وَ أَسْمَعُ لَهُ وَ أَطِيعُ؛

[به چشم] باز می گردم و صبر می کنم و فرمانش را

اطاعت می کنم.»

اینجا علی(علیه السلام) از فاطمه (سلام الله علیها)

درخواست صبر کرد؛ در کربلا هم امام حسین(علیه السلام)

از بی بی حضرت زینب (سلام الله علیها) درخواست صبر کرد.

«امام حسین(علیه السلام) فرمودند: آرام باش ای دختر
مرتضی و به خیمه برگرد، وقت گریه طولانی است. اما حضرت
زینب (سلام الله علیها) دامن امام را گرفت و صدا زد:

«مَهْلًا يَا أَخِي تَوَقَّفْ حَتَّى آتَزُودَ مِنْكَ وَ أَوْدَعِكَ وَدَاعٍ
مَفَارِقُ لَا تُتَلَقِي بَعْدَهُ؛

برادرم آهسته باش توقف کن تا تورا سیر ببینم و با تو
وداع کنم، آن وداع جداکننده ای که بعد از آن دیگر ملاقاتی با
تو نخواهد بود.»

حضرت زینب(سلام الله علیها) از برادر دل نمی کند به
دست و پای برادر افتاده بود و می بوسید و گریه می کرد.

تا اینکه ابی عبدالله(علیه السلام)

«وَأَمَرَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهَا وَ سَكَنَهَا مِنَ الْجَزَعِ؛

دستش را بر سینه خواهرش کشید زینب آرام شد و
بیقراری نکرد.»

بعد حضرت زینب(سلام الله علیها) فرمودند: برو برادر
آنقدر صبر می کنم که صبر از دست من به ستوه آید.
یا ابا عبدالله(علیه السلام) ای کاش یکی هم بعد از شما
یتیمان شما را آرام می کرد. آرام که نکردند هیچ، هر کسی
سراغ شما را گرفت او را با تازیانه و کعب نی...

جلسه سوم : اصول و الزامات و راهبرد اصلی

جهاد تبیین در سیره حضرت زهرا(س)

خطبه ابتدایی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَ نَجِيْبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ

صَفِيْبِكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ

قال الله تبارك وتعالى فى القرآن العظيم:

«ذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»^۱

مقدمه

عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت صديقه طاهره سلام
الله عليها و روحى له الفداه و حضرت بقيه الله اعظم روحى و
ارواح العالمين له الفداه و عجل الله تعالى فرجه الشريف
صلوات ديگرى محبتت بفرماييد.

حضرت زهرا(س) بين رحلت پيامبر(ص) تا شهادتش دفاع
مقدسى را سازمان داد كه حقيقتاً اعجاب آور و البته بسيار
دست آموز و الهام بخش است. در حقيقت حضرت فاطمه
زهرا سلام الله عليها را بايد بنيانگذار جهاد تبين بدانيم. كه
ما چند شب در اين زمينه صحبت کرده ايم و امشب مى

۱. سوره بقره آيه ۱۸۷

خواهیم اصول و الزامات و راهبرد اصلی جهاد تبیین در سیره حضرت زهرا(س) را مورد بررسی قرار دهیم.

هر اقدام خردمندانه‌ای، الزاماتی دارد که اگر به آن الزام‌ها بی‌توجهی شود، اقدام مورد نظر از مسیر خود خارج شده و هدفش نیز محقق نمی‌شود. هرچه اهمیت اقدام بیشتر باشد، ضرورت شناخت و پایبندی به الزام‌های آن هم بیشتر خواهد بود.

الزامات جهاد تبیین

جهاد تبیین از همان مقوله‌های مهمی است که شناخت و تحقق الزام‌های آن در خور توجه ویژه است. الزام‌های جهاد تبیین در سیره بی‌بی دو عالم، صدیقه طاهره (س) متعدد و متنوع است و سخن گفتن درباره همه آنها در این مجال نمی‌گنجد، لذا به برخی از این الزام‌ها که شاید از بقیه موارد اهمیت بیشتری داشته باشد، بسنده می‌کنم.

اولین الزام

شناخت موضوع یا موضوع‌های نیازمند تبیین است:

یک جهادگر در این عرصه باید بتواند تشخیص دهد چه چیزی را لازم است تبیین کند و اگر موضوع‌های نیازمند تبیین متکثر و متنوع است، باید بتواند بین آنها اولویت‌بندی کند.

حضرت زهرا (س) خوب موضوع را شناخت موضوع دفاع از ولایت و حقیقت است دفاع از اصل دین است لذا در مقابل آن ایستاد.

دومین الزام

آشنایی و احاطه به موضوع و توانمندی برای تبیین: توان مندی حضرت زهرا را در خطبه فدکیه می بینیم در فرازهایی از آن به طور متعدد درباره مسائل ولایت مطالبی وجود دارد نه اینکه ایشان در راه دفاع از همسر خود و اینکه حضرت علی علیه السلام به عنوان همسر حضرت زهرا (س) حق جانشینی دارند بلکه ایشان مظلومانه از ولایت امت اسلامی و جانشینی و خلافت پیامبر (ص) مردم را آگاهی دادند.

حضرت زهرا(س) می فرماید:

...هَذَا، وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَفْمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا

يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، إِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا

فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ.

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحات التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و به راستی جهنم کافران را احاطه نموده است.

امروز در این فتنه‌ها اگر ما می‌خواهیم موضوعات را برای جوانان و نوجوانان تبیین کنیم باید به موضوعات احاطه و اشراف داشته باشیم، باید ابهام‌ها را برطرف کنیم.

سومین الزام

یکی از الزامات جهاد تبیین، تبیین در زمان خودش است:

اگر تبیین در زمان خودش نباشد اثربخشی لازم را ندارد

خدا رحمت کند شهید دیالمه را در زمان انتخابات ریاست جمهوری بنی‌صدر، که نسبت به منحرف بودن وی هشدار داد و علت آن را نیز قبول نداشتن ولایت فقیه عنوان کرد.

بعد رحلت پیامبر(ص) حضرت علی علیه السلام را برای بیعت گرفتن با خلیفه وقت به مسجد بردند. حضرت فاطمه علیها السلام وقتی متوجه شد بلافاصله دست فرزندان خردسالش حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و به مسجد رفت.

هنوز مردم عوام جامعه و مهاجران و انصار برخوردارهای باکرامت و بزرگوارانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فاطمه زهرا علیها السلام و سخنان پیامبر را نسبت به دخت گرامی اش از یاد نبرده بودند و احترام و تکریم خود را نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام در باطن ضمیر خویش در نظر داشتند. وقتی که فاطمه زهرا علیها السلام به مسجد رفت و غاصبان خلافت را تهدید کرد که اکنون خدا را به یاری می

طلبم، با تهدید او، غاصبان خلافت تا حدی جا خالی کردند و از بیعت گرفتن با حضرت علی علیه السلام دست برداشتند و در این مبارزه، فاطمه زهرا علیها السلام با پیروزی به خانه برگشت.

یا حضرت فاطمه علیها السلام برای روشن ساختن افکار عمومی از انحراف مسیر امامت، چهل شبانه روز دست حسن و حسین علیهما السلام را می گرفت و سوار بر مرکبی می شد و همراه با حضرت علی علیه السلام به در خانه مهاجر و انصار می رفت تا آن ها را نسبت به غفلتی که دچار آن شده اند و انحراف موجود، بیدار سازد و غافلان و راحت طلبان را هوشیار سازد. فاطمه زهرا علیها السلام در حقیقت، با رایزنی سیاسی خود، با یاران رسول صلی الله علیه و آله اتمام حجت می کرد و با حضور خویش سعی می نمود مسیر انحراف امت را روشن سازد.

جهاد تبیین در جامعه ی امروز

در انقلاب اسلامی ما هم که امروز جای شهید و جلاذ
عوض شد اگر تبیین به هنگام باشد و این جوان ما ، این
نوجوان ما بداند کومله کیست و چه کرد؟ سلطنت طلبها چه
کردند؟ منافقان در اوایل انقلاب چه کسانی را از ما گرفتند؟
داعشی ها چه کردند با مسلمانان قطعاً تاثیر خودش را دارد.
امروزه ما در مواجهه با دروغ پردازی ها، مغشوش کردن
اذهان، مبارزه با امید و ایجاد یأسی که دشمن پیش گرفته و
به نوعی تهمت های ناروایی که ممکن است به نظام اسلامی
وارد کند، در آن فضایی که نهایتاً دنبال سلب اراده و امید و
اعتماد مردم هستند، موظف به پدافند، دفاع و تبیین
حقایق هستیم.

چهارمین الزام

بصیرت، الزام مهم دیگر برای جهاد تبیین است؛
باید دانست آتش فتنه در جامعه روشن نمی گردد، مگر
آنکه قبلاً زمینه های آن فراهم شده باشد. نا آگاهی مردم،

غفلت از دشمن، جاذبه های مادی، سطحی نگری، دور شدن
از خط ولایت و در یک کلمه عدم بصیرت

مجاهدان میدان تبیین، باید ژرف‌نگر و عاقبت‌اندیش
باشند. نگاه‌های سطحی به مسائل و بی‌توجهی به پیامدهای
یک رویداد با جهاد تبیین ناسازگار است. اساسا تبیین برای
همین بصیرت‌افزایی صورت می‌گیرد و اگر مجاهد این
میدان، خود فاقد بصیرت باشد، مصداق این سخن خواهد
بود که:

ذات نیافته از هستی بخش
کی تواند که شود هستی بخش

شناخت فتنه

مقام معظم رهبری می فرمایند:

باید فتنه را شناخت، اسیر اوضاع تشبه حق و باطل نشد
و سعی کرد با استفاده از عنصر بصیرت به سراغ رفع فتنه
رفت. راهکار خنثی‌سازی فتنه، بصیرت و تبیین و روشننگری
است و باید دانست «یک ملّتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی

جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم برمیدارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند.» ۱۵/۷/۸۸

سخنان حضرت زهرا در باب امام

حضرت فاطمه (ع) در برابر یکی از افراد نادان مدینه که خفاش صفت در برابر آفتاب وجود امام زبان به سرزنش گشوده بود فرمود: می دانی امام کیست؟

وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ وَالْهَيْكَلُ النُّورَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ
وَسَلَالَةُ الْأَطْيَابِ النَّاظِقِ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ وَأَبُو
بَنِيهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ هُمَا رِيحَانَتِي رَسُولِ اللَّهِ
وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

علی (ع) امامی ربانی و الهی، و هیكلی نورانی و مرکز توجه تمام عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان، نقطه دایره امامت و محور اصلی امامت، و پدر حسن و حسین، دو

دسته گل پیامبر(ص) و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت است.^۱

همچنین فرمود: پس از بعثت رسول خدا(ص) هرگاه مشرکان، آتش جنگ برافروختند، خدا خاموش کرد، یا هرگاه شاخ شیطان سر برآورد، یا اژدهایی از مشرکین دهان باز کرد، رسول خدا(ص) برادرش علی بن ابی طالب(ع) را در کام اژدها و شعله های فتنه ها افکند، و علی(ع) هم باز نمی گشت؛ مگر آنکه سرکشان را پایمال شجاعت خود می گردانید، و آتش آنها را با آب شمشیرش خاموش می کرد، علی(ع)! فرسوده از تلاش فراوان در راه خدا، کوششگر خستگی ناپذیر در امر خدا، نزدیک و خویشاوند رسول خدا(ص)، سید و بزرگی از اولیای خدا، همواره دامن به کمر زده، نصیحت کننده، و تلاش کننده در راه خدا است، که در راه خدا از سرزنش کنندگان پروایی

۱. نهج الحیة، محمد دشتی، انتشارات نشر مشرقین، قم، چاپ اول، ص ۴۴، ح ۲۰

نداشت. در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش بودید.^۱

و فرمود:

أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَعَلَى يَقِيمَانِ أَوَدَهُمْ وَيُنْقِذَانِهِمْ
مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ
إِنْ وَاَفَّقُوهُمَا؛^۲

محمد و علی (ع) دو پدر این امت می باشند، کجیها را راست و انحرافات را اصلاح می نمایند، اگر مردم ایشان را اطاعت کنند، این دو آنها را از عذاب جاویدان نجات می دهند، و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند، این دو، نعمت های پایدار خداوندی ارزانی شان می دارند.

سپس فرمود:

۱. [نهج الحياة، ص ۴۶، ح ۲۱].

۲. همان، ص ۳۶، ح ۱۵.

«أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقُّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي

حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ؛

همانا سعادت‌مند [به معنای] کامل و حقیقی کسی است
که امام علی(ع) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست
داشته باشد.»

پنجمین الزام

مداومت در تکرار است.

تکنیک تکرار آنقدر از سوی دشمنان استفاده می‌شود که
منجر به نهادینه شدن برخی گزاره‌ها در ذهن مخاطب
شده است، لذا جهادگران عرصه تبیین، هم برای زدودن این
گزاره‌های غلط از ذهن و دل مخاطبان و هم جایگزین کردن
گزاره‌های صحیح به جای آنها، نباید از مداومت در تکرار ملول
شوند.

میدان تبیین میدانی است که امروز دشمن با همه
قدرت و با همه امکانات از آن استفاده می‌کند و به دنبال از

بین بردن امت اسلامی است تا از این طریق جهالت و آشوب و فتنه ایجاد کند و زمینه فراهم شود که از خارج به ما حمله کنند و بر همه چیز مسلط شوند. لذا باید مدام در این میدان تبیین به مخاطب هشدار داد.

حضرت زهرا(ع) هر جا که لازم بود با یادآوری احادیث غدیر، منزلت و...، مغزهای خفته و انسان های فریب خورده را هدایت و بیدار می فرمود، و بارها فریاد برآورد که:

وَاعْجَبَاهُ! أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ؟

شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟^۱

«أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ (ص): أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛^۲

۱. الانصاف فی النص علی الأئمة، سیدهاشم بحرانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران،

۱۳۷۸ش، چاپ دوم، ص ۴۱.

۲. نهج الحیة، ص ۴۱، ح ۱۷.

آیا فراموش کردید سخنان رسول خدا(ص) را در روز غدیر خم که فرمود: هر کس من مولا و رهبر او هستم، علی(ع) مولای او است و [آیا فراموش کردید که به علی(ع)] فرمود: یا علی! موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسای پیغمبر است؟

ذکر مصیبت

با همه این حرفها حضرت زهرا(س) در برابر دفاع از حق مداومت داشت حتی با شهادت و غسل و کفن و تشیع جنازه و محل دفن این مداومت تا قیام قامت ادامه دارد.
فرمود:

«یا علی عَسَّلَنِي فِي اللَّيْلِ وَ كَفَّنِي فِي اللَّيْلِ وَ دَفَّنِي فِي اللَّيْلِ وَلَا تُغْلِنِ أَحَدًا»؛

علی جان مرا شبانه غسل بده، شبانه کفن کن و به خاک بسپار، و کسی را آگاه مساز.

ای کوثر علی چَقَدَرِ زود می روی

بال و پر علی چقدر زود می روی
بعد از نبی دلم به تو خوش بود فاطمه
هم سنگر علی چقدر زود می روی
ای تکیه گاه زندگی حیدر غریب
ای لشکر علی چقدر زود می روی
شرمنده ی تو هستم و پهلو ی زخمی ات
ای یاور علی چقدر زود می روی
دردت به سینه بود و به حیدر نگفتیش
غم پرور علی چقدر زود می روی
نه سال از علی تو بدی دیده ای مگر
ای همسر علی چقدر زود می روی
بد جور زندگی علی را به هم زدند
ای دلبر علی چقدر زود می روی
خیری که نیست بعد تو در زندگی من
ای کوثر علی چقدر زود می روی

علی(ع) بعد از آن که کار غسل دادن را به انجام رساند، او را برداشت و در درون کفن هایش جای داد آن گاه وی را با پارچه ای که رسول خدا را با آن خشک نموده بود، خشک کرد، و سپس او را با حنوط بهشتی که پیامبر(ص) فرموده بود و از حنوط دنیا کاملاً متمایز بود، حنوط کرد، سپس وی را در کفن هایش پوشاند، و در هفت قطعه پارچه کفن نمود.

شهید اگر چه غسل ندارد ولی کفن دارد، و لباس وی کفن اوست.

چنانکه وقتی شب عاشورا فرا رسید، امام حسین(ع) به یاران فرمود: لباس هایتان را بشویید و فردا لباس تمیز در بر کنید تا کفن های شما باشد.

اما وقتی عصر عاشورا فرا رسید، زینب علی(ع) پیکر برادر را پیدا کرد و با اندوه فراوان نگاه میکرد که حتی آن کهنه پیراهن را هم از بدن مطهرسیدالشهدا در آورده بودند و

امام (ع) بی کفن روی بیابان و زیر آفتاب سوزان کربلا افتاده بود!

علی (ع) زهرا را در هفت پارچه کفن کرد، اینک می خواهد کفن را ببندد، ولی معمول است قبل از این که بندهای کفن را ببندد، فرزندان و کسان و نزدیکان شخص درگذشته را می خوانند و اجازه می دهند که باز دیداری از او کنند.

امام (ع) هم صدا زد: «ای حسن، ای حسین، ای زینب، ای ام کلثوم! بیایید و بشتابید و توشه از دیدار مادرتان بگیرید که دیگر او را نخواهید دید.»

یتیمان زهرا (ع) بعد از آن که پدر اذن دیدار دارد، شتابان آمدند و باناله جانسوز و شیون صدا می زدند: وا حسرتا....
این صدای شیون، قلب مادر مهربان را تکان داد، امانه مختصر، بلکه به اندازه ای که دست هایش از کفن به سوی فرزندان بیرون آمد.

امیرالمومنین (ع) می فرماید: «خدا را شاهد می گیرم که زهرا از ولوله کودکان خود با تن بی جان، به جان آمد، ناله ای آهسته کرد و دست های خود را از کفن در آورد و آن حسن و حسین را به سینه چسبانید و مدتی نگه داشت.»

ناگهان هاتفی از آسمان ندا در داد: «ای علی، این دو را از نعش مادر بگیر که به خدا فرشتگام آسمان را به گریه در آوردند.»

علی (ع) نیز آن عزیزان را از نعش زهرا برگرفت، و بندهای کفن را گره زد.

به روایت ناسخ التواریخ، عزیزان فاطمه (ع) خود را روی پیکر پاکش افکندند، ناله سر دادند و با کفن مادرشان اشک چشم خود را پاک می کردند....

گریزی به کربلا

این یک وداع بود، یک وداع جانسوز هم در کربلا به وقوع پیوست. وقتی که اهل بیت امام حسین (ع) را به اسارت می

بردند، به ماموران ابن سعد گفتند: شما را به خدا، ما را به
قتلگاه ابی عبدالله ببرند. و چنین کردند.

همین که چشم زنان به کشته ها افتاد فریادشان به
شیون بلند شد و لطمه به صورت می زدند، و دیدند که
زینب(ع) آن چنان با حالتی افسرده و قلبی شکسته نوحه
سرای می کرد و کنار پیکر عزیز برادرش می گریست که
دوست و دشمن را به گریه در آورد.

الا لعنه الله على القوم الظالمين

جلسه چهارم: قدم‌های مهم جهاد تبیین در

سیره حضرت زهرا(س)

خطبه ابتدایی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِيْبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ
صَفِيِّكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ

قال الله تبارك وتعالى في القرآن العظيم:

«ذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»^۱

مقدمه

عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت صدیقه طاهره سلام
الله علیها و روحی له الفداه و حضرت بقیة الله اعظم روحی و
ارواح العالمین له الفداه و عَجَل الله تعالی فرجه الشریف
صلوات دیگری محبت بفرماید.

در سیره سیاسی ائمه اطهار (ع)، رازهای بسیاری نهفته
است. یکی از دلایل و فلسفه‌هایی که به ذکر غربت و
مظلومیت اهل بیت (ع) اشاره مداوم و مستمر می‌شود و
روزهای بسیار از ایام سال را در عزا و شادی آنان هستیم، به
این خاطر است که در خلال این مراسمات، نکات کلیدی سیره
امامان معصوم (ع) تبیین شود و به گونه‌ای مورد توجه ما قرار
بگیرد که الگوی عمل ما باشد.

۱. سوره بقره آیه ۸۷

قدم های حضرت زهرا س

اگرچه حوادث بعد از زندگی حضرت زهرا (س) خود دارای فرازهای بزرگ بصیرتی و نکات پندآموز معرفتی است اما نباید در این واقعه محدود و منحصر به اشک و اندوه بمانیم زیرا این واقعه به همه ما می‌آموزد که مردم در قبال موضوعی که به حریم ولایت مربوط شود، دارای مسئولیت و تکلیف هستند و باید با تمام توان خود به دفاع بپردازند.

علیرغم فشارهای برخی از افراد و اختناق شدید زمانه صدیقه طاهره (س)، برکت جهاد تبیین حضرت این شد که شمار شیعیان از هفت نفر دوران سقیفه به جمعیت بیش از ۳۰۰ میلیونی جهان تشیع در شرایط کنونی رسیده است و ولایت که عمق معرفت اسلام است، در بین جمعیتی به اندازه این شماره متجلی شده است.

حضرت در کمتر از سه ماه زندگی پس از پیامبر، قدمهای شگرف و باورناکردنی از خلق حماسه جهاد تبیین را به نمایش گذاشته‌اند.

وقتی صحبت از جهاد تبیین بیان می‌شود ما با یک میدان روبه‌رو هستیم. در این میدان دو طرف داریم، یک طرف حق و طرف دیگری باطل است، جبهه؛ جبهه حق و باطل است. یکسو جبهه امیرالمومنین علی (ع) است و طرف دیگر خلفای سه‌گانه، معاویه، عمروعاص و.. یک طرف یزید، عبیدالله زیاد، عمر سعد، خولی، شبت ابن ربیع و شمر... است و سوی دیگر حضرت اباعبدالله (ع)، حضرت علی‌اکبر، ابوالفضل‌العباس، قاسم، حبیب است.

قدم اول : دشمن شناسی

در این میدان :

اولین قدم: در میدان حضور داشتن و دشمن‌شناسی

است

وقتی می‌خواهید وارد این میدان شوید، اولین مسئله این است که باید میدان را خالی نکنیم و دشمن را بشناسیم.

دهها آیه در قرآن کریم اختصاص به دشمن‌شناسی دارد.

۱۳ سوره قرآن با دشمن‌شناسی شروع می‌شود؛ توبه،

ممتحنه، تبت، کافرون، منافقون، فلق، ناس و...

در یک اصل کلی قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن

خودتان را دوست نگیرید!

توجه به چند اصل

در رابطه با دشمن، چند اصل باید توجه شود:

یک اینکه دشمن را کوچک نشمارید:

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لَا تَشْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَ إِنْ

صَغُفَّ؛ دشمن را کوچک نشمارید گرچه ضعیف باشد.»

به قول سعدی:

دانی که چه گفت زال با رستم گُرد

۱. سوره ممتحنه آیه ۱

دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد

ممکن است در جنگ امروز دشمن در جهاد تبیین هیچ
سلاحی احساس نشود، هیچ خنجری به ظاهر حلقومی را قطع
نکند، اما امروز شمرها، حلقوم فرهنگی ما را مورد هدف قرار
داده‌اند، خولی‌ها و شبت ابن ربعی‌ها در میدان هستند.

دوم اینکه دشمن را دوست نپندارید:

دشمن در قالب دوست می‌آید و ادعای اصلاح می‌کند.
نباید دشمن را دوست شمرد و فریب وعده‌هایش را خورد.

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۱

اتخاذ عدو یعنی او را دشمن بدانید، جدی بگیرید و گول
نخورید.

سوم اینکه نفوذی‌های دشمن را بشناسید:

دشمن ممکن است درون خانه خود انسان باشد

خداوند در قرآن هشدار میدهد:

۱. سوره فاطر آیه ۶

إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ. ۱

همانا برخی از همسران و فرزندان، دشمن شما هستند
از آنان بپرهیزید. «

قرآن کریم می‌فرماید: حضرت ابراهیم هنگامی که عموی
خود را دشمن یافت از او برائت جست.

«فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ».

دشمن گاهی در میان خاندان انسان نفوذ می‌کند. پدر
حنظله غسیل الملائکه دشمن بود، ابولهب عموی پیامبر
(ص) دشمن بود، همسر حضرت نوح و همسر حضرت لوط به
تصریح قرآن الگوی کافران و از دشمنان انبیاء بودند.
حضرت زهرا (س) خوب دشمن را شناخت وقتی خلیفه
اول و دوم می‌خواستند به ملاقات زهرای مرضیه بیایند آن
حضرت قبول نکرد، این دیدار با وساطت حضرت علی (ع)
انجام شد.

۱. سوره تغابن آیه ۱۴

در تاریخ آمده است: هنگامی که چشم آنان به حضرت زهرا(ع) افتاد به او سلام کردند اما زهرا جواب سلام آنان را نداد و صورت خود را از آنان بر گرداند! پس آن دو نفر جای خود را عوض کرده و در مقابل حضرت زهرا(ع) نشستند چند بار این کار تکرار شد! تا این که حضرت زهرا (ع) گفت: علی جان پرده را بینداز! و به زنانی که در پیرامونش بودند فرمود: صورت مرا بر گردانید وقتی صورتش را بر گردانند مجدداً عمر و ابوبکر به سوی او آمدند! ابوبکر گفت ای دختر رسول خدا ما آمده ایم تا رضایت شما را جلب کنیم و از نا رضایتی شما بر حذر باشیم از شما در خواست بخشش و گذشت داریم! حضرت زهرا فرمود: "یک کلمه با شما سخن نخواهم گفت تا پدرم را ملاقات کنم و شکایت کارها و ظلم هایی را که در حق من کرده اید را به آن حضرت بیان کنم."^۱

۱. بحار الأنوار ج ۴۳ ص ۲۰۳ روایت ۳۱

دومین قدم: فهم مسیر و نقشه دشمن

دومین قدم اینکه بدانیم دشمن از کجا به ما حمله می‌کند، مسیر حرکت او را بدانیم.

دشمن روش‌های فراوانی دارد. عدم آگاهی از این شیوه‌ها، ناخواسته انسان را گرفتار دام دشمن می‌کند؛ مکر، کید، نفاق، نقض پیمان، ولایت‌ستیزی، شبهه‌افکنی، تحقیر مسلمانان، تفرقه، فرصت‌طلبی، موج‌سواری، دروغ، تضعیف باورها، ارباب و ترس، جوسازی، توجیه‌گری و هوچی‌گری بخشی از این حرب‌هاست؛ در یک جمله دشمن مایل است همه را به کیش خود درآورد.

«وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً»^۱

آنان دوست دارند همانگونه که خود کافر شده‌اند شما

هم کافر شوید.»

امام صادق (ع) فرمود:

۱. سوره نساء آیه ۸۹

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى نَبِيِِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ
لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَ
لَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي»؛

خداوند عزوجلّ به پیامبری از انبیاء خود وحی فرمود: به
مؤمنان بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا
نخورند و به روش دشمنان من نروند که در این صورت مانند
آنان از دشمنان من خواهید شد.

باید بدانیم امروز دشمن در فضای مجازی به جنگ ما
آمده است می خواهد مانند موریانه از درون خانواده ها را از
بین ببرد ، میخواهد از درون ارزشها را از بین ببرد از ابزار
سلبریتی سازی فرهنگ ما را از بین ببرد بایدبه مقابله این
دشمن قرار بگیریم.

آمادگی دشمن در مقابل ما

دشمن برای ما همه چیز آماده کرده است، هم اینک
دست کم ۴۵ شبکه وجود دارد که علیه حق ایستاده اند، حتی

شبکه شیعه دارند و روایات اهل بیت (ع) را می‌خوانند اما در این شبکه شیعی، ملکه انگلیس مقدس و از نوادگان حضرت زهرا (س) معرفی می‌شود، در لندن برای قمه زدن، پلیس محافظ می‌گذارند و آمبولانس خبر می‌کنند. باید دقت شود. اگر دقت شود، خواهید دید که دشمن چه چیزها را تبلیغ می‌کند تا شیعه را تضعیف کند، پس دشمن همه امکانات را به میدان آورده است:

أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَاسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ
رَجَلَهُ.^۱

یکی از یاران اما حسین (ع) نافع بن هلال است که من نام او را بادی‌گارد اباعبدالله می‌گذارم. ایشان می‌فرماید شب عاشورا ناگهان دیدم از سمت دشمن کسی به سمت ما می‌آید، نزدیک که شد متوجه شدم حضرت اباعبدالله (ع) هستند. عرض کردم: آقا چرا تنهایی در شب به سمت دشمن

۱. خطبه ۱۰ نهج البلاغه

رفته‌اید؟ حضرت فرمودند «رفتیم تا شناسایی کنم دشمن
فردا از کجا ممکن است حمله کند. من می‌خواهم مسیر
حرکت دشمن را بشناسم.»

این برای همه ما پیام دارد. ما باید ببینیم دشمن از کجا
ضربه می‌زند با کدام روش و شیوه و عناصر و نیروها! او را در
داخل و خارج بشناسیم و حواسمان باشد ممکن است از
طریق خودی‌ها به ما ضربه بزند یا به خودی ضربه بزنیم.
باید بدانیم که چگونه وارد میدان شویم و با کدام امکانات
و ظرفیت‌ها، در میدان حضور داشته باشیم، در میدان جنگ
است که شناخته می‌شویم.

سومین قدم: شیوه رزم و برخورد با دشمن

کسی که می‌خواهد وارد عرصه جهاد تبیین شود باید بعد
از شناخت دشمن شیوه رزم را هم بلد باشد.
بی بی دو عالم زهرای مرضیه (س) با شیوه‌های مختلف
مثل تبیین و سخرانی، تحریم، گریه‌های عاطفی و تهدید به
نفرین به مقابله با دشمن پرداخت.

امروز ما باید شیوه های رزم در مقابل دشمن را بدانیم.

روضه و توسل

روضه‌ی من امشب از اذان بلال است

منم موذن شهر نبی، بلالم من

منم که بعد نبی مرغ بسته بالم من

منم که بعد پیمبر چه غصه ها خوردم

منم که سر به بیابان بی کسی بردم

چو عقده ای به گلو بشکند نوایم را

قرار بود کسی نشنود صدایم را

بلال در ابتدا غلام «امیه بن خلف» بود هنگامی که امیه

از اسلام آوردن بلال با خیر شد هرآنچه توان داشت او را

شکنجه و عذاب نمود. هر روز هنگامی که آفتاب به وسط

آسمان می رسید و زمین حجاز همچون دیوارهٔ تنور می شد او

را با پای و بدن برهنه روی ریگهای داغ شکنجه می داد و گاهی

بدن او را روی خارها می کشانید ولی بلال در مقابل آن همه

آزار و اذیتها فقط می گفت: أَحَدًا أَحَدًا... از خدای یکتا دست نمی کشم.

ذکر مصیبت

پس از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) اوضاع و احوال دگرگون شد و دستگاه خلافت از مسیر حق منحرف گردید. بلال حبشی برای تثبیت خلافت اولی کافی بود، چند نوبت اذان بگوید؛ در این صورت هرچه می خواست در اختیار او می گذاشتند ولی از همان اول گفت: شیوه من حق پرستی است و خلافت خلفای غاصب را تایید نکرد.

تا روزی که بی بی دو عالم حضرت زهرا(س) حسنین (علیهما السلام) را فرستاد و فرمود: به بلال بگویید:

«إِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ صَوْتِ مُؤَذِّنِ أَبِي».

مادرمان علاقمند است صدای مؤذن پدرش را بشنود.
موقع نماز اذان بگو.

حسن و حسین (علیهما السلام) نزد بلال آمدند و سخن مادر را به او گفتند، گویی دنیایی از خوشحالی به بلال رخ داد، اشک شوق از چشمانش سرازیر شد، آنها را به سینه چسبانید و صورت آنها را بوسید و غرق اشک و گریه گردید... همین که صدای بلال به «الله اکبر» بلند شد، مدینه غرق گریه و عزا گشت، فاطمه (سلام الله علیها) به یاد روزگار پدر افتاد، ناله اش بلند شد، نتوانست خود را نگه دارد و شروع به گریه کرد وقتی به جمله «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» رسید زنان و مردان بی اختیار از خانه بیرون ریختند و صدای گریه و ناله مردم به آسمان رفت. تا آن روز چنین غوغایی در مدینه نشده بود.

شَهَقَتْ فَاطِمَةُ (سلام الله علیها) وَ سَقَطَتْ لِوَجْهِهَا وَ

غَشِيَ عَلَيْهَا.

فاطمه صدا به ناله ای دلسوز بلند کرد و با صورت به زمین افتاد و غش نمود.

مردم مطلع شدند و گمان کردند فاطمه (سلام الله

علیها) جان داده است و به بلال گفتند:

«أُمْسِكْ يَا بَلَالُ فَقَدْ فَارَقَتْ ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

عَلَيْهِ وَآلِهِ) الدُّنْيَا

بلال دست نگه دار، دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

از دنیا رفت.»

عرض می کنم دختر پیغمبر! بی بی جان! صدای اذان بلال

رو شنیدید یاد روزهای خوب با پیامبر (صلی الله علیه وآله)

بودن افتادید و غش کردید؛ اما

«لَا يَوْمَ كَيْوَمَكِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»

امام حسین (علیه السلام) هم عاشق صدای اذان علی

اکبر بود. کسی که

«أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِ اللَّهِ»

اما علی اکبر در حالی که دست از جان شسته و دل به خدا
بسته روانه میدان شد بعد از مدتی جنگ دلاورانه از چپ و
راست بر او یورش آوردند.

«فَقَطَّعُوهُ بِسُيُوفِهِمْ إِرْبَاءً»

دشمنان با شمشیرهای خود بد نازنینش را پاره پاره
کردند.

آنگاه وقتی که روحش به گلوگاه رسید، ناله زد:

ثُمَّ نَادَى يَا أَبَتَاهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ هَذَا جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ
يَقْرئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ عَجَلِ الْقُدُومِ عَلَيْنَا.

ای پدر سلام من بر تو و جدم رسول خدا (صلی الله علیه
وآله) هم به تو سلام می رساند می فرماید: به سوی ما
بشتاب.

امام حسین (علیه السلام) باشتاب به بالین جوانش آمد،
صورت اشک آلود خود را روی چهره علی اکبرش گذاشت و بلند
بلند گریه کرد و فرمود:

قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوا يَا بُنَى مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى الرَّحْمَنِ وَ

عَلَى انْتِهَاكَ حُرْمَةِ الرَّسُولِ

خداوند آن قوم را بکشد که تو را کشتند، ای پسرم چه
بسیار این مردم برخدا و دریدن حرمت رسول خدا گستاخ
ونترس گشته اند.»

جلسه پنجم: اهداف جهاد تبیین

خطبه ابتدایی

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ

عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِيْبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ

صَفِيْبِكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ وَ عَلَى آلِهِ

وَ أَصْحَابِهِ

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

«سُرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ

لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^۱

مقدمه

هدیه به پیشگاه با عظمت بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و روحی له الفداه صلواتی هدیه بفرمایید.

در جلسات گذشته خدمت شما برادران و خواهران نکاتی را درباره جهاد تبیین در زندگی حضرت زهرا (س) عرض کردم. برادران و خواهران اگر شیوه دشمنی شیطانی را مستمر بدانیم که چنین نیز هست، جهاد تبیین نیازی مستمر و مداوم خواهد بود. وقتی شیطان خناس — بسیار رونده و آینده است — جبهه داران تبیین نیز باید پیوسته و مستمر، در مرصاد و کمینگاه باشند و عقلانیت تخریبی دشمن را رصد

۱. سوره فصلت آیه ۵۷

کنند و دانشمندان، بینش‌مندان و روشمندان با آن مقابله کنند.

اهداف جهاد تبیین:

امشب در آخرین شب این مراسم می‌خواهم اهداف این جهاد تبیین را در سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) خصوصاً حضرت زهرا (س) و بیان قرآن مورد بررسی قرار دهم:

اولین هدف در جهاد تبیین

تعالی اندیشه‌ها و زدودن ابهام‌هاست:

تبیین، زمینه‌ساز تعالی اندیشه‌ها و زدودن ابهام‌ها، تشکیک‌ها و تردیدها می‌شود، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مسئولیت انبیا، تبیین و روشن‌گری بوده است، و معلوم است که «اسوه» بودن حضرت زهرا (س) ایجاب می‌کند که جهاد تبیین در مرکز توجه پیروان، باورمندان و رهپویان راه‌آن حضرت باشد.

قرآن مجید می‌فرماید:

«كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱

این چنین، خداوند آیات خود را برای شما تبیین می کند؛
شاید اندیشه کنید!

حضرت زهرا(س) چندین خطبه بعد از رحلت پیامبر(ص) داشتند که مهمترین آن، خطبه فدکیه بود. که در این خطبه حضرت برای اینکه اندیشه ها را تقویت کند به مسجد رفت و خطبه خواند.

در این خطبه، چند فرافراز و نمود خاص وجود دارند. فاطمه(س) در ابتدا، با یادآوری رسالت پیامبر(ص) و دفاع از رهبری و امامت بر حق حضرت علی(ع) و حق مالکیت خویش بر فدک از لحاظ قانون ارث در اسلام، با سازش کاران سیاسی اتمام حجت کرد.

ایشان در فرافرازی از آن خطبه می فرماید: هان ای مردم بدانید من فاطمه ام و پدرم محمد، انتها و ابتدای کلامم یکی

۱. سوره بقره ۲۴۲

است، هرگز آنچه می گویم غلط نبوده و آنچه انجام می دهم ظلم نیست .

نکته بارز در خطبه حضرت این است که حضرت با فصاحت و بلاغت خاصی به دفاع از مقام ولایت و امامت حضرت علی(ع) می پردازد در فرازی از این خطبه می فرماید: و چون خداوند پیامبری را به خانه انبیا فراخواند، جایی که برگزیدگانش زندگی می کنند، خارهای نفاقتان سر برون آورد و پوشش دینتان رنگ باخت و صدای سرکرده گمراهان در آمد و پست مهره ای ذلیل و ناشناخته هور کرد و ناز پرورده جاهلان مفسد زمزمه سر داد. پس بر دل ها و زندگی تان سوار شد..... و شما بر حق غصب کردید.

وظایف ما در جنگ ترکیبی

امروزه یکی از وظایفی که ما در این جنگ ترکیبی همین روش حضرت زهرا(س) است ، باید اندیشه های انسانهای غافلی که متاسفانه در دام فضای مجازی و شبکه های معاند افتاده اندرا تقویت کنیم و تبیین کنیم آینده روشن را.

برادران و خواهران تلاش و تکاپوی دشمن ، طرح
بیراهه‌ها و کج راهه‌ها برای مردم مسلمان است یا راه را در
انبوه غبارها پوشاندن است.

اینجا رسالت بزرگ جهادگران تبیین و روشننگری است
همان کاری حضرت زهرا (س) انجام داد.

وقتی بداندیشان برای وارونه‌سازی افکار و تخریب ایمان و
باورهای مردم به وسیله انبوه رسانه‌ها و با استفاده از هزاران
متخصص هنر و رسانه و پشتیبانی‌های هنگفت مالی و
امنیتی به میدان آمده‌اند تا راه گم شود.

مجاهدان عرصه تبیین باید به میدان بیایند و با شناخت
دقیق و عمق شیوه‌های دشمن و با بهره‌گیری از همه
ظرفیت‌ها و امکانات، «روشننگری» و «راه» نمایی کنند.

پس درحقیقت هدف تبیین نمایاندن حقیقت در مقابل
نشان دادن چهره باطل است:

«سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ

لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^۱

تبیین «حق» و در مقابل آن تبیین و نقاب برداری از چهره باطل که به تعبیر رهبر انقلاب با پنجه‌های چدنی پنهان کرده در مخمل به میدان می‌آید از رسالت‌های افسران جهاد تبیین است، نیرنگ و فریب، غوغاسالاری، شبه‌افکنی، تلاش در تحقیر و تمسخر و نادیده انگاری حق و تمسک به درشت‌نمایی ضعیف‌ها و پنهان کردن موفقیت‌ها از شگردهای همیشگی جبهه باطل است. شناساندن حق و رسواسازی ترفندها و دسیسه‌های باطل، وظیفه و فریضه مجاهدان میدان تبیین است.

دومین هدف در جهاد تبیین

دیگر هدف تبیین در «رفع اختلاف» است:

۱. سوره فصلت آیه ۵۳

اختلاف افکنی و ایجاد فضای متفاوت، تخالف و تعارض
نگاه از برنامه‌های دشمن است.

در زمان قاجاریه ، در کنار سفارت حکومت عثمانی در
تهران ، مسجد کوچکی وجود داشت.

امام جماعت آن مسجد می گوید:

شخص روزه خوانی را دیدم که هر روز صبح به مسجد
می آمد و روزه حضرت زهرا (س) را می خواند و به خلیفه
دوم و اهل سنت ناسزا می گفت...

و این درحالی بود که افراد سفارت و تبعه آن که سنّی
بودند ،

برای نماز به آن مسجد می آمدند.

روزی به او گفتم:

تو به چه دلیل هر روز همین روزه را می خوانی و همان

ناسزا را تکرار می کنی؟

مگر روزه دیگری بلد نیستی؟!

او در پاسخ گفت:

بلدم؛ ولی من یک نفر بانی دارم که روزی پنج ریال به من می دهد و می گوید همین روزه را با این کیفیت بخوان.

از او خواستم مشخصات و نشانی بانی را به من بدهد...

فهمیدم که بانی یک کاسب مغازه دار است.

به سراغش رفتم و جریان را از او پرسیدم. او گفت: نه من

بانی نیستم!

شخصی روزی دو تومان به من می دهد تا در آن مسجد

چنین روزه ای خوانده شود.

پنج ریال به آن روزه خوان می دهم و پانزده ریال را خودم

برمی دارم.

باز جریان را پیگیری کردم، سرانجام با یازده واسطه!!!!

معلوم شد که از طرف سفارت انگلستان روزی ۲۵ تومان برای

این روزه خوانی با این کیفیت مخصوص (برای ایجاد تفرقه

بین ایران شیعی و حکومت عثمانی سنی) داده می شود که

پس از طی مراحل و دست به دست گشتن، پنج ریال برای آن
روضه خوان بیچاره می ماند.

حضرت زهرا(س) متوجه شد که این نامردها می خواهند
اختلاف بیندازند و حکومت کنند لذا دست به تبیین زد تا در
تاریخ برای همیشه این حرکت حضرت زهرا(س) بماند چهل
شب متوالی به در خانه های مهاجرین و انصار آمد و گفت:

ای مهاجرین و انصار! به یاری خدا بشتابید. من دختر
پیامبر شما هستم و شما با آن حضرت بیعت کرده اید که از او
و فرزندان او مثل خود و فرزندان او دفاع کنید. بنابراین بر
تعهدات خویش عمل نمایید.

حتی قرآن مجید نیز خود را مبین و رفع و دفع کننده
«اختلاف»ها معرفی می کند؛

«وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا

فِيهِ»^۱

۱. سوره نحل آیه ۶۴

اختلاف‌زدایی زمانی ممکن و میسر است که ورودگاه
اختلاف، فرآیند اختلاف و دانش و روش اختلاف‌زدایی را
بدانیم؛ مجاهدان میدان تبیین با ریشه‌یابی اختلافات و
گونه‌شناسی اختلافات، بهترین و روش و شیوه را برای زدودن
اختلافات برمی‌گزینند.

سومین هدف در جهاد تبیین

هدف دیگر تبیین نگاه‌دارندگی از خطا و لغزش است:
کارخداوند مهربان و به تبع آن، تمام انبیا و اولیایی الهی،
رساندن انسان‌ها و هدایت آنها به سمت تقوا یا «پایش و
خویشتن بانی» است.؛ خداوند می‌فرماید: «كَذَالِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقر: ۱۸۷) این چنین خداوند
آیات خود را برای شما تبیین می‌کند، شاید که اندیشه کنید.
هدف شیاطین انس و جن زمینه‌سازی برای خطا، لغزش،
خروج از خط، کنارکشیدن از میدان و افتادن به دام انحراف و
تباهی است.

هدف باید در جهاد تبیین شناخت و شناساندن «لغزشگاه‌ها» روش‌های «حفاظت و نگهبانی از ایمان، دستاوردها و سرمایه‌ها» بایسته و لازم است.

مجاهدان میدان تبیین باید شبهه‌شناس، آفت‌شناس و عالم به هر آنچه تقوای اجتماعی را تهدید می‌کند باشند؛ تقوای سیاسی، تقوای اجتماعی، تقوای فرهنگی هم‌اره در معرض خطر است و همین طلب می‌کند که حفاظت و صیانت و هشدار و انذر نیز مستمر و مداوم باشد.

بزرگترین هدف مبارزات حضرت زهرا

بی بی دو عالم خوب دشمنان را شناخت، تهدیدهای دشمن را خوب شناخت

بزرگترین هدف مبارزات حضرت زهرا(س) در جایگاه انسان کامل، تشکیل حکومت اسلامی آن هم بر پایه امامت امام بر حق است؛ از این رو چشمگیرترین فعالیت حضرت فاطمه (س) در ظرف زمانی خاص خود و با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن روزگار، اثبات امامت امیرالمومنین (ع) به عنوان

اصل اساسی دین اسلام است؛ زیرا تبعیت از صراط مستقیم امامت و دوری از راه‌های متفرقه و پراکنده، فرمان الهی است.

امروز تمام هدف دشمن زدن ولات است چون می‌دانند اگر مردم از این اصل فاصله بگیرند کار اسلام تمام است لذا با تمام اعوان و انصارش آمد به میدان خدا رحمت کند آیت الله ایازی (ره) را که فرمود اصل همه اصلها در همه نسلها ولایت فقیه است. پس باید میدان را از دشمن گرفت و به دیگر زبان به جای انفعال، فعالانه در میدان بود:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»^۱

در این آیه آماده‌کردن و آمادگی دائمی (اعدوا) و به میدان آوردن همه توان (قوه) و همه امکانات (امکانات نظامی)،

۱. سوره انفال آیه ۶۰

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...) برای ایجاد ترس و بازدارندگی (ترجون) در دل دشمنان دین و مردم (عدوالله و عدوکم) توصیه شده است.

نباید منتظر دشمن ماند تا ببینیم «او چه می‌کند» تا «ما چه کنیم» بلکه باید پیشدستانه، فعالانه به میدان قدم گذاشت و حتی پیش‌بینی کرد تا پیش از اقدام دشمن، طرح و نقشه و نیرنگ او را خنثی ساخت.

چهارمین هدف در جهاد تبیین

آخرین هدف را هم خدمت شما عرض کنم و زیاد وقت شما را نگیرم آخرین هدف در جهاد تبیین بهانه‌زدایی است: خدای رحمان در سوره نساء می‌فرماید:

«رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»^۱

۱. سوره نساء آیه ۱۶۵

پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است.

برای اینکه بهانه‌مندان نگویند «نمی‌دانستم»، «کاش به من گفته بودند» و ... لازم است «حجت» بر این‌گونه افراد تمام شود. جهاد تبیین راه را بر عذر و بهانه و توجیه می‌بندد.

ذکر مصیبت

حضرت زهرا(س) با تمام وجود آمد پای کار تا بهانه‌مندان فردای قیامت نگویند ما نمی‌دانستیم.

بین در و دیوار قرار گرفت ، خطبه خواند ، در خانه تک تک آنان رفت

اما امشب...

السلام علیک با فاطمه الزهرا(س)

نیمه ی شب بود و وقت دفن زهرا ی علی

تر شده از اشک دیده ماه سیمای علی

گوشه ی تابوت زهرا شاه مظلومان نشست

دلہارا ببریم مدینہ امشب مدینہ خونہ آقا

امیرالمومنین(ع)

گوش بدہ، روضہ ی من ہمینہ، علماء، بزرگان، سادات
بچہ ہیئتی ہا، اون دومیہ تو تاریخ نوشتہ وقتی نامہ
نوشت، نوشت من تو ہمہ ی عمرم، سہ جا بہ علی حسودیم
شد، با منی یانہ، سہ جا بہ علی حسادت کردم، این حسادت تو
دلم کینہ شد، عقدہ شد، خدا عذابتو زیاد کنہ، بگم برات، دونہ
دونہ بگم اصلاً روضہ ام ہمینہ

میگہ اولین باری کہ بہ علی حسودیم شد، اون موقعی بود
کہ پیغمبر دست زہرا رو گذاشت تو دست علی، آی نامرد، یہ
حرفی بزمن زود رد شم سادات منو ببخشند، آخہ این بی حیام
خواستگار زہرا بود، ای اُف بہ تو دنیا، زہرایی کہ یہ کُفو(ہم
شأن) دارہ اونم علی ہ زہرایی کہ یک ہمسر دارہ اونم علی
ہ، پیغمبر فرمود اگہ علی ہمسر تو نمی شد، احدی تو این
عالم برابر تو وجود نداشت، ہم کفو تو وجود نداشت، قریون تو

آقا برم، یه جا حسودی کرد، وقتی دست زهرا رو تو دست علی گذاشت.

می گه بار دومی که حسادت کرد، اون موقعی بود که پیغمبر دست علی رو بلند کرد، گفت: من کنت مولا فهذا علی مولا

بار سومی که حسادت کرد، اون زمانی بود که پیغمبر دستور داد همه درها رو به مسجد ببندند، وسد الابواب الا بابہ پیغمبر گفت: فقط در خونه علی باز باشه، این حسادتا تو دل نحسش جمع شد، این کینه ها تو دل نامردش جمع شد، می دونی کی تلافی کرد، با من بیا، بدونه ناله نری ها، امشب رفتی خونه، صدات بگیره ها، می گه، وقتی صدای زهرا رو پشت در شنیدم، دلم به حال زهرا یه لحظه سوخت، دو سه قدم برگشتم، دیدم من با زهرا کاری ندارم، وای وای، یه دفعه یاد علی افتادم، خداکمکم کن این ناله ها برسه مدینه، می گه برگشتم، چنان لگدی به در زدم صدای شکستن

استخونهاشو شنیدم، بگو یازهرا، ان شاءالله شب شهادتی
مدینه باشیم، هرکی کارش داره، اگه بچه های علی، امشب
همه آستین تو دهن گرفتن، اگه بچه های فاطمه امشب
نتونستن داد بزنند، تو به جاشون داد بزن بگو یازهرا.... بگو
من نمک و بیاشم، هنوز یه عده ناله نزدند، آره این جا یاد علی
افتاد لگد زد، کربلام حسینش تو گودال، یکی سنگ می
زنه، یکی شمشیر میزنه، حسین.